



توقف صادرات فولاد با رویه تعهد ارزی

رویه فعلی رفع تعهد ارزی و صادرات فولاد با رکود مواجه شده. به گزارش اتاق ایران آنلاین، سیدمصطفی موسوی، عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران، گفت: پس از واگذاری مدیریت تعهدهای ارزی از سازمان توسعه تجارت به بانک مرکزی، مشکلات زیادی متوجه بخش خصوصی شده است. او افزود: قبلاً صادرکنندگان فولاد باید تا ۸۰ درصد ارز خود را باز می‌گرداندند، بازه بازگشت ارز مشخص بود و حتی در قبال واردات، می‌توانستند صادرات داشته باشند؛ اما در رویه فعلی پیش‌بینی می‌شود تا یک ماه دیگر صادرات فولاد متوقف شود. او گفت: دلیل این امر این است که صادرکنندگان فولاد باید ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادرات خود را برگردانند و به علاوه باید آن را به نرخ نیمایی عرضه کنند و صادرات در قبال واردات نیز متوقف شده است. موسوی گفت: در خوزستان به عنوان قطب صادرات فولاد، شاهد رکود هستیم. اگر رویه‌های جاری ادامه پیدا کند، امسال ۲۰ درصد تراز منفی‌تری خواهیم داشت.



چالش مالیات‌ستانی برای بخش خصوصی

فعالان اقتصادی نسبت به رویه‌های مالیاتی آگاه نیستند و با نبود حسابدارهای ماهر به امور مالیاتی، مواجه شده‌اند. به گزارش اتاق تهران، سعید رسول‌اف، نایب‌رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق تهران با انتقاد از سازمان امور مالیاتی گفت: بحران منابع انسانی در شرکت‌های کوچک و متوسط امروز بسیار مشهود است. ما تا سال گذشته نگران این بودیم که توسعه‌دهنده‌های حرفه‌ای ما از کشور مهاجرت می‌کنند اما امروز نگران پیدا کردن حسابدار مسلط به قوانین مالیاتی هستیم. رسول‌اف در ادامه به اختلالات و چالش‌های زیرساختی در سامانه‌ها هم اشاره کرد و گفت: اگرچه اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی کار بزرگی است اما مسئله این است که سامانه تا چه حد پایدار است. اگر این اطلاعات نشت کند چه؟



تولید اولویت کشور نیست

متأسفانه در کشور به تولید آن‌طور که شایسته است بها داده نمی‌شود و در اولویت قرار نمی‌گیرد. به گزارش اتاق ایران آنلاین، محمدصادق حمیدیان، عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران با بیان اینکه متأسفانه در کشور اولییتی به اسم تولید وجود ندارد، گفت: اگر به تولید مانند دیگر موضوعات در کشور بها داده می‌شود، امروز وضعیت اقتصاد، اشتغال و تولید کشور به مراتب بهتر بود. او افزود: فعال اقتصادی به جای حل مشکلات فرامرزی برای پیشبرد تجارت و بازرگانی خود درگیر بخشنامه‌ها و مشکلات داخلی بی‌شمار شده است. حمیدیان با اشاره به ماد ۶۲ قانون بهبود و ارتقای تولید گفت: ستاد رفع موانع تولید در استان‌ها تشکیل می‌شود و هیچ‌یک از مصوبات این ستاد، فرای قانون نیست؛ اما دستگاه‌های اجرایی مصوبات ستاد را اجرا نمی‌کنند که باید این مسئله مورد بررسی قرار گیرد. وقتی در قوانین برای فعالان بخش خصوصی جرم‌انگاری می‌شود باید متناظر همین امر برای بانک‌ها و دیگر دستگاه‌ها هم باشد.

به اشتغال رسید. در حالی که در این زمینه، دیگر عوامل مانند بازارها، قوانین و سوداگرانی که مختل‌کننده سرمایه‌گذاری تولید هستند و موجب انحراف منابع هستند، دیده نمی‌شوند. در این مدل سیاست‌گذاری چیزی که کاملاً نادیده گرفته می‌شود، نهاد تخصصی است که باید طرح‌ها را غربال‌گری کند. به محض این که دولت اعلام می‌کند که قرار است تسهیلات ترجیحی دهد، صف بسیار طولی از متقاضیان ایجاد می‌شود. من فقط به یکی از مشکلات اجرایی آن اشاره می‌کنم. در سال گذشته که طرح اشتغال فراگیر با متولی‌گری وزارت کار مطرح شد، مشخص شد که بانک‌های عامل - که می‌بایست منابع را پرداخت می‌کردند - تمایلی برای تخصیص این منابع نداشتند و وزارت کار هم اقتدار لازم برای این که بانک‌ها را ملزم به پرداخت این منابع کند، نداشت. در این طرح، به جای وزارت کار، وزارت اقتصاد را مسئول اجرا کردند که نتواند نفوذ لازم بر بانک‌ها را اعمال کند. با این تغییر، منابعی که پیش‌بینی شده بود، پرداخت شد. اما مشکلی که ایجاد می‌کرد، این بود که در شرایطی که خود وزارت کار به اندازه کافی، در حوزه کسب‌وکار خبره نبود، حالا وزارت اقتصادی متولی امر شده بود که حتی از وزارت اقتصاد که باید به آن وزارت‌داریی گفت زیرا بیشتر وجه درآمدی بر آن غلبه دارد، در پرداخت این وام‌ها نقش ارزیابی‌کننده ندارد. خود این وزارت‌خانه ادعا دارد که طرح‌ها را از دستگاه‌ها می‌گیرد و براساس این طرح‌ها، بودجه تخصیص می‌دهد. یعنی هر دستگاه خودش باید طرح‌ها را غربال‌گری کند زیرا کشور یک نهاد تخصصی ندارد که هماهنگی لازم برای غربال این طرح‌ها را داشته باشد.

بر این اساس، می‌توان گفت اولاً هرگونه تسهیلات ترجیحی، انحراف ایجاد می‌کند و دوم این که تسهیلات ترجیحی که آرایش نهادی مناسب ندارد، منحرف می‌شود. میزان انحراف در این دو نوع سیاست‌گذاری، متفاوت است. در تجربه تاریخی کشور، بانکداری توسعه‌ای داشتیم. یکی از کارکردهای این نوع بانکداری، این بود که طرح‌های مختلف را غربال‌گری کند. از آن جایی که دیگر بانکداری توسعه‌ای، وجود ندارد، پس ارزیابی طرح‌ها در اختیار بانک‌های عاملی قرار می‌گیرد که بانک‌های تجاری هستند و تخصص لازم برای انجام این کار را ندارند. چون در نهایت این بانک‌ها هستند که باید وام را پرداخت کنند؛ به نوعی، نظر نهایی همان بانک‌ها مهم می‌شود و در واقع، نتیجه این می‌شود که خیلی از این طرح‌ها که توجیه ندارند، انجام شده و انحراف منابع را به وجود می‌آورند.

یک آمار وجود دارد مبنی بر اینکه حدود ۵۹ درصد تسهیلات بانکی در استان تهران پرداخت شده است. هر چند بسیاری از بنگاه‌های صنعتی کشور در همین محدوده هستند، اما به هر حال، وقتی بانک‌ها تسهیلات پرداخت می‌کنند، می‌توان نتیجه گرفت که نزدیک‌ترین بودن به بانک‌ها به معنای توانایی بیشتر برای دریافت تسهیلات است. یعنی استان‌های دورافتاده‌تر ایران از این تسهیلات محروم هستند و دور بودن از مرکز، خود را به شکل عدم دریافت تسهیلات نشان می‌دهد. در ارزیابی تبصره هم ندیدیم که از این زاویه، بررسی جدی صورت گرفته باشد.

نکته قابل تامل اینکه، در لیست مصرف‌کنندگان منابع تبصره «۲» کنونی با همان «۱۸» سابق، بنیاد برکت، بسیج سازندگی و بنیاد علوی دیده شده‌اند؛ این به معنای تقویت بخش نیمه خصوصی نیست؟ در سالی که براساس شعار سال، بر مشارکت مردم و بخش خصوصی تأکید شده، چرانهادهای عمومی و خصولتی مورد تشویق و حمایت قرار می‌گیرند؟

این مسئله را می‌توان به فقدان همان نهاد تخصصی نسبت داد. در برنامه سوم مطرح شده بود که بانک‌ها مجبور نیستند وام یا تسهیلات ترجیحی پرداخت کنند. اگر هم بنا شد دولت از طرح‌های تسهیلات ترجیحی حمایت کند، مابه‌التفاوت سود را از بودجه پرداخت کند و به نوعی، بانک از این تکلیف رها شود و براساس نرخ سود خود، تسهیلات را در اختیار بخش‌های اقتصادی قرار دهد. اینجا یک گلوگاه وجود داشت و آن هم این که دستگاه‌ها اجازه نداشتند برای طرح‌هایی که به نظر خودشان مهم بود، ردیف بودجه پیش‌بینی کنند. این مسئله تخصیص منابع ترجیحی را غیرمتمرکز می‌کرد. همین وضعیت در منابع تبصره «۲» وجود دارد. دستگاه‌ها طرح‌های خود را ارائه می‌دهند و آن دسته از نهادهایی که به تصمیم‌گیرها نزدیک‌تر هستند، در لیست دریافت‌کنندگان قرار می‌گیرند. نکته دیگر هم این که بنیاد برکت برای مشاغل خانگی طرح‌هایی تحت عنوان محرومیت‌زدایی ایجاد کرده است؛ احتمالاً در قالب این مشاغل خرد و خانگی این طرح‌ها را آورده‌اند که از آن جایی که این مشاغل جزو مشاغل خرد و خانگی هستند، برای آنها ردیف بودجه دریافت کنند.

به هر حال، می‌توان گفت که این عمل موازی‌کاری با بخش خصوصی و ضد مشارکت مردم است. اگر بخواهید در یک جمله بگویید، بودجه با هدف حمایت از تولید تنظیم شده یا ضدتولید است؟

می‌توان گفت بودجه در شرایط فعلی پیام روشنی نمی‌دهد و ابهام دارد زیرا اصلی‌ترین متغیرهایی که مربوط به بخش تولید هستند، به طور دقیق تعیین و تکلیف نشده‌اند. در سال‌های گذشته، انتظار داشتیم که سازمان‌های توسعه‌ای تقویت شوند؛ تمهیداتی دیده شوند که سازمان‌های توسعه‌ای منابع خود را نهاتر کنند و از حساب خزانه خارج شوند تا توانایی مالی بیشتری برای حمایت از طرح‌های راهبردی پیدا کنند. از این نظر، در بودجه امسال به وضعیت آنان توجه شده است اما این که چقدر این امر محقق شود، باید منتظر عملکرد ماند.



واقع، امسال با تغییراتی که انجام شده، حتی منابعی که برای تولید از این حوزه پیش‌بینی شده بود، کاهش یافته است. یعنی منابع تبصره «۱۸» سابق حدود ۸۵۰ هزار میلیارد ریال بوده است؛ اما این رقم در بودجه امسال، به ۳۱۰ هزار میلیارد ریال رسیده یعنی کاهش محسوسی داشته است. بخشی هم از منابع تبصره «۱۶» که همان هدفمندی بود که ظاهراً سال گذشته یک میلیون و ۲۰۰ هزار میلیارد ریال بوده و به یک میلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد ریال تغییر کرده است. منابع تبصره «۱۴» هم چندان در اینجا مورد توجه قرار نگرفته است. همین نشان می‌دهد منابع پایدار برای رشد تولید وجود نخواهد داشت.

با توجه به نامطلوب بودن وضعیت معیشت مردم، چقدر احتمال انحراف وام‌های خانگی وجود دارد؟ نمونه‌هایی در سال‌های گذشته مانند طرح ضربتی اشتغال یا بنگاه‌های زودبازده داشتیم که بررسی عملکرد آنها انحراف قابل‌اعتنایی از اهداف را نشان می‌دهد. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی بررسی کرده بود که منابع طرح بنگاه‌های زودبازده حدود ۶۰ درصد انحراف داشته است.

پیش از این هم گفته شد که منابعی که پیش‌بینی شده، بیشتر بر بحث اشتغال تأثیرگذار است تا تولید زیرا مبالغ آن زیاد نیست. به همین دلیل هم به مشاغل خرد و خانگی اولویت می‌دهند. در مورد اینکه این منابع چقدر می‌توانند اشتغال‌زایی داشته باشند و به سرنوشت طرح‌هایی مانند طرح ضربتی اشتغال دچار نشوند، می‌توان گفت ما با یک دیدگاه که تداوم پیدا کرده است، رویه‌رو هستیم. در این دیدگاه، تصور این است که اگر تولید شکل نمی‌گیرد یا اشتغال ایجاد نمی‌شود، منابع وجود ندارند. زیرا معتقد هستند که در ابتدا باید سرمایه‌گذاری صورت گیرد و واحد تولید ایجاد شود، بعد از آن



پیامی که بودجه امسال برای تولیدکننده داشته، تداوم روندهای گذشته است. به نظر می‌رسد، دولت تا حدی تلاش می‌کند کسری بودجه را از طریق مالیات کاهش دهد. یعنی از دو روش مالیات مستقیم و مالیات غیرمستقیم، دولت قصد دارد کسری بودجه را تأمین کند. افزایش مالیات‌ها به این معناست که بخش تولید هم مستقیم و مالیات غیرمستقیم، دولت بودجه را تأمین کند. افزایش مالیات‌ها به این معناست که بخش تولید هم مستقیم و مالیات غیرمستقیم، دولت بودجه را تأمین کند.

حوزه مالی رویه‌رو نیست. یک پیام دیگر این که وقتی دولت، بودجه منضبط داشته باشد، سراغ روش‌هایی مانند برداشت از بانک‌ها نمی‌رود و بنابراین این پیام داده می‌شود که سال آتی، تورم و بی‌ثباتی جدی وجود نخواهد داشت. هر چقدر دولت کسری بودجه داشته باشد، این به معنای بی‌ثباتی بیشتر متغیرهای پولی است. در سال‌های اخیر، به دلیل تحریم‌ها و مشکلاتی که در تأمین منابع بودجه وجود داشته، دولت با کسری بودجه‌های جدی مواجه بوده است. البته این کسری به کمک افزایش درآمدهای نفتی مقداری کاهش پیدا کرد اما به صورت مشخص، سیاست‌های مالیاتی، پیامی منفی به بخش‌های تولیدی و کسب‌وکارها می‌دهد.

این پیام منفی به این معناست که دولت همچنان در تعادل‌بخشی به منابع و مصارف دچار مشکل است و تلاش می‌کند که اگر منابع نفتی نتواند مصارف را پوشش دهد، از طریق روش‌های مالیاتی و افزایش آن، کسری را جبران کند. شاهد و گواه این ادعا هم لغو معافیت‌های مالیاتی و افزایش مالیات بر ارزش افزوده است که بخش بزرگی از ساختار مالیاتی را تشکیل می‌دهد.

البته دولت در تبصره «۱۸» سعی کرده که حمایت‌هایی از بخش تولید داشته باشد. یا اعطای برخی امتیازها به سازمان‌های توسعه‌ای تا از این مسیر تولید تقویت شود. با این وجود، عملکردی که از سال گذشته برای تبصره «۱۸» وجود داشت، نگران‌کننده بود؛ زیرا بر خلاف سال ۱۴۰۱ که منابعی از محل هدفمندی دیده شده بود که قابل تحقق بود، در سال گذشته، منابع بودجه ناپایدار بود و تا حد زیادی هم محقق نشد. در سال جاری نیز، ردیف‌ها به همان شکل است و انتظار نمی‌رود که این منابع محقق شود و تبصره «۱۸» عملکرد جدی داشته باشد. حتی اگر منابع تبصره «۱۸» محقق شود هم تأثیر چندانی بر تولید نخواهد داشت و بیشتر کمک برای اشتغال‌زایی است و تحرکی برای تولید ندارد. در سال جاری تلاش‌هایی شد که صندوق توسعه ملی بتواند مطالبات خود را از دولت به نحوه دیگری وصول کند. مشکلات مالی دولت عملاً باعث شده که رابطه دولت با صندوق توسعه ملی نیز دچار چالش شود و دولت نتواند تعهدات خود را نسبت به صندوق، به درستی ایفا کند.

در بودجه امسال تبصره «۱۸» حذف شد و منابع آن در تبصره «۲» دیده شد. نکته مهم این است که منابعی که قرار بود به رونق تولید اختصاص پیدا کنند، پیش‌بینی شده است که به کسب‌وکارهای کوچک و خانگی داده شوند. در تبصره «۲» قید شده بود برای توسعه کسب‌وکارهای خرد خانگی تا دو نفر شاغل و کارگاه‌های خرد تا هفت نفر شاغل، این تسهیلات اختصاص یابد. این پیامی برای تولید در سال جاری نیست و آیا تولید در سال جاری از این محل تضعیف نمی‌شود؟

همانند گسترش پایه‌های مالیاتی، منابع تبصره «۱۸» برای آنکه در تولید تحرک ایجاد کند، چندان جدی نیست. آنچه برای تولیدکنندگان مهم‌تر است، پیامی‌هایی است که در زمینه ثبات اقتصاد کلان و منابع درآمدی در بودجه نهفته است. در